



کودتا هدیه‌ای آسمانی برای اردوغان

آنچه از همه زیباتر است این است که توطئه دشمنان به خودشان برگردد، و به نتیجه نرسیدن توطئه‌شان فرصتی طلایی برای تو فراهم کند.

به گزارش آران نیوز: زیباترین هدایا همیشه از دشمنان به تو می‌رسند. وقتی که در حساب و کتاب خود اشتباه می‌کنند. زمانی که کینه و نفرت سبب می‌شود دست به کارهای متهورانه بزنند. متوهمند و گمان می‌کنند که نسیم موافق می‌تواند نسل‌ها را با زور تغییر دهد. خیلی سخت می‌توان کولونی‌ها را راضی کرد که دنیا تغییر کرده است! دیگر زمان آن گذشته که فکر کنید با اشغال رادیو و تلویزیون می‌توانید زمان را به عقب برگردانید.

قبل از این که خوابش ببرد نوار حوادث را به عقب بر می‌گرداند و یک بار همه چیز را مرور می‌کند. بدتر از آن چه در آن شب گذشت چه می‌توانست باشد! تصور می‌کند اگر آنها موفق می‌شدند، او را به زندانی شبیه زندان محمد مرسی می‌بردند. احتمالا بشار اسد تا صبح بیدار می‌ماند تا از خبر مطمئن شود. عبدالفتاح السیسی هم کل شب را نمی‌خوابید، و فتح‌الله گولن خود را آماده یک جشن می‌کرد.

ملت و احزاب و نهادها وارد عمل شدند. البته شانس هم وارد شد تا جلوی سرنوشت بد او را بگیرد. پیام تصویری و موجزی از طریق تلقن هوشمند از او منتشر شد که از یارانش می‌خواست که به خیابان‌ها بیایند. مجموعه‌هایی که تلاش می‌کردند مواضع حساس را محاصره کنند خود به محاصره در آمدند. و شانس زمانی وارد عمل شد که بخش اساسی در ارتش از پیوستن به توطئه خودداری کرد. به این ترتیب راه تاریک بسته شد و راه را بر کسانی که می‌خواستند وارد آن شوند نیز بست. نه دشمنان داخلی جشن گرفتند و نه دشمنان خارج در خیال‌آبرها به خواب رفتند تا تسویه حساب‌ها کار خود را بکنند.

آنچه از همه زیباتر است این است که توطئه دشمنان به خودشان برگردد، و به نتیجه نرسیدن توطئه‌شان فرصتی طلایی برای تو فراهم کند. برای دنیا سمیل مشروعیت و حامی دروازه‌جمهوری شوی. ملتت از تو حمایت کنند و وجهه‌ات بدرخشد. غرق سیل عظیم طرفداران پرهیجان شوی. و بتوانی از فضای مثبت به وجود آمده نهایت استفاده را ببری و از هم اکنون خود را پیروز انتخابات بدانی!

توطئه هدیه در زمان مناسبی آمد. وجهه مشروع سلطان متزلزل شده بود. سیاست «به صفر رساندن مشکلات» به «به صفر رسیدن رفاقت‌ها» رسیده بود. پرونده‌ها باطل بودن محاسبات را نشان دادند. دیگر الگوی ترکیه همانند روزهای ابتدایی بهار عربی برای کسی حسرت‌آور نبود. کشتی سیاسی ترکیه به صخره‌های بسیاری برخورد کرده بود و زبان‌های اقتصادی کشور به میلیاردها رسیده بود.

دشمنانش خود را آماده مجازت او می‌کردند. می‌گفتند که او در اتهام‌ها مبالغه کرده و بحران‌ها را خودش به وجود آورده است. مخاطرات بازی با گرگ‌ها را درک نکرده است. کار عبور تروریست‌ها را تسهیل کرده و در این توهم است که هر دو در یک جهت کار می‌کنند. از تجربه حکومت سوریه هنگامی که اجازه می‌داد تروریست‌های جهادی از خاکش به عراق بروند و آن چه خود کاشته بود درو کرد، استفاده نکرد. وعده‌های خود به کردها را منکر شد و باعث شد بمب‌های آنها دوباره جان سربازهای ترک را بگیرد. اشتباهات او با واشنگتن و مسکو سبب شد تا هر دوی آنها به سمت حمایت از کردهای سوریه بروند و کاری کنند کردها وارد راه تشکیل اقلیم کردی در دولت فدرالی بشوند.

وجهه مشروعیت سلطان متزلزل شده بود، و رایحه انزوا بر حکومتش وزیدن گرفته بود. کشورش تقریباً با "واحد‌های کردی" محاصره شده بود. در پایتخت‌های غربی به شدت نسبت به مواضع او در قبال بحران پناهندگان و همچنین دموکراسی و سکولاریسم تردید به وجود آمده بود. مسکو منتظر فرا رسیدن ساعت تسویه حساب‌ها بود. سلطان در برابر طوفان سرخم کرد. از قیصر عذرخواهی کرد. و روابط گرم با اسرائیل را از سر گرفت. و تلویحا نیز گفت که در روابط تیره اش با همسایگان تجدید نظر می‌کند.

تا این که ناگهان کولونل‌ها بزرگترین اشتباه عمرشان را مرتکب شدند. شانس و مردم و یکپارچگی احزاب دخالت کردند. تا آنجا که خیلی سخت می‌توان دوستداران و منتفران از او را از هم جدا کرد. به انتخابات آزاد می‌رود و پیروز بر می‌گردد. این چیز کمی نیست، شایعه هم نیست. «جوانان استانبول» جمهوریت را نجات دادند و انگشت اتهام‌ها همگی به سمت مدعی مقیم در پنسیلوانیا رفت. سران نظامی و دستگاه قضایی احساس کردند که گیر افتاده‌اند. فکر کنم کمال آتاتورک دوباره مرد وقتی که دید نظامی‌ها دست‌هایشان را به نشانه تسلیم بالا برده‌اند و تسلیم جبهه مقابل شده‌اند و همانند یک شهروند عادی با آنها برخورد می‌شود.

برگی از تاریخ ترکیه ورق خورد و برگی تازه آغاز شد. اما سوال بزرگ این است که «جوانان استانبول» با این اقبال گسترده و فرار از توطئه هدیه چه خواهند کرد؟